

آموزش موسیقی دستگاهی (اردیف)

■ مجید کیانی

مقدمه

همان‌طور که علم با روش‌های خاصی به دست می‌آید، علم و هنر موسیقی هم با روش‌های خاص خود حاصل می‌شود. روش‌های علوم، مختلف هستند ولی همه آنها از تجربه سود می‌جویند، همچنان که در هنر موسیقی روش‌های مختلف هستند ولی در اینجا هم همه از تجربه بهره می‌برند. بنابراین در آموزش موسیقی دستگاهی (اردیف)، روش‌های آموزشی مختلف مشاهده می‌شود:

برخی از استادان اردیف از یک آهنگ یا گوشهٔ تدوین شده شفاهی بطور سینه به سینه استفاده می‌کنند و برخی دیگر از انگاره‌های فراگرفته شده پیشین بصورت پیفیه سرایی در کلاس درس در شرایط مکانی و زمانی استفاده می‌کنند و محتوای درسی آن در هر جلسه درس تغییرپذیر است. اما آنچه که دارای اهمیت است، نحوهٔ تدریس هر دو روش فوق موفقیت‌آمیز است و چنان‌که در تاریخ موسیقی اخیر اردیف دانان مشاهده می‌شود، هر دو روش در پرورش و حفظ اصالت‌های موسیقی کاملاً موفق بوده‌اند و علت آنرا بایستی در روش سینه به سینه دانست که به هر جهت اصل موضوع که آموزش از طریق «ذهن» یا «دل» است انجام می‌پذیرد.

بگفت استاد حاج قریان سلیمانی، وقتی استاد می‌خواهد یک آهنگ یا انگارهٔ موسیقی را به شاگرد یاد بدهد، به او می‌گوید اول باید به این صورت آنرا در دل بگویی، وقتی دل آنرا پذیرفت دست هم که به دل وصل است آنرا خواهد نواخت، در واقع دل هرچه گوید، دست هم آنرا ادا خواهد کرد.

اما آموزش موسیقی دستگاهی که امروز قطعات و گوشه‌های آن تحت عنوان «اردیف موسیقی ایران» تدریس می‌شود، دارای روش

تدریس و اصول اولیه‌ای است که برای آموزش موسیقی دستگاهی الزامی است.

بطور کلی امروز آموزش موسیقی دستگاهی اردیف در دو روش تدریس می‌شود:

الف. روش قدیمی که در تداوم روش تدریس استادان گذشته است، منتها با شرایط زندگی امروزی.

ب. روش مکتوب که تلفیقی است از روش قدیمی همراه با روش آوانویسی موسیقی کلاسیک اروپایی.

روش قدیمی آموزشی اردیف

براساس سنت آموزش سینه به سینه است با حفظ رعایت کامل اصول اولیه و همچنین حفظ سنت شفاهی آن.

معمولاً در گذشته که هیچ گونه آوانویسی و ضبط آهنگ وجود نداشت شاگرد، استادی را برای فراگیری موسیقی انتخاب می‌کرد و هر روز یا هفته‌ای دوبار و حتی یک‌بار در ساعات معین و یا نامعین در خدمت استاد، درس موسیقی می‌گرفت. روش تدریس همان‌طور که ذکر شد سینه به سینه یا پنجه به پنجه بود که تمام ریزه‌کاری‌ها و علوم عقلی پایه و دروس اصلی با مضارباها و طرز گرفتن ساز، کوک کردن، حتی تعمیر کردن، آموزش داده می‌شد. البته تمام به صورت شفاهی. تنها برخی از استادان که در علوم نظری دستی داشتند، آن علوم را نیز به شاگردان خود به صورت شفاهی و یا مکتوب تدریس می‌کردند.

علوم عملی ساز یا آواز شامل آموزش یک دوره ردیف کامل موسیقی ایران بود که به ترتیب معمولاً از دستگاه شور آغاز می‌شد و در دستگاه نوا خاتمه می‌یافت. برخی از استادان سه دوره را برای تدریس قائل بودند. مانند: دورهٔ «قدمتانی، دورهٔ متوسط و دورهٔ «عالی» که برای دورهٔ «عالی برخی از استادان ردیف کاملتری را ارائه می‌دادند و برخی همان ردیف دورهٔ متوسطه را به صورت تکمیلی با آموزش نغمات ها و پرداختن به تفسیر گوشه ها و اجرای دقیق تر و توجه بیشتر به حالت ها دوره می کردند.

استادان در آموزش ردیف با شروع هر دستگاه روند گوشه ها را همانند ردیفی که خود گرفته‌اند پیوند و با آموزش تدریس کرده بودند. به ترتیب با نظم و دقتی که در خود داشتند تدریس می‌کردند. معمولاً سعی می‌شد که در هر جلسه مطالب یادگیری زیاد نباشد. آنقدر که شاگرد بتواند یک مطلب را چمله یا به درستی یاد گرفته و بتواند یک بار دزد استاد بپوازد. و معمولاً یک گوشه در هفته کافی به نظر می‌رسید. طبیعی است که گوشه های کامل و یا بزرگی مانند مخالف، سه گاه و زرضوی و ... به علت این که چندین گوشه در خود دارند، طی چند جلسه یاد داده می‌شد.

روند تدریس دستگاه ها و آواز در نزد هر استاد متفاوت بود. برخی، از سازهای مستطکانه ها و سه تار و از دستگاه چهارگاه شروع می‌کرد برخی از مامور، ولی معمولاً از آنجا که دستگاه شور، مامور مستطکانه می‌نامیده می‌شد است. آن دستگاه را برای شروع مناسبتی می‌دانستند و شروع آموزش را هم از بردارد اول آغاز می‌کردند تا شاگردان رفته رفته با موسیقی ساز خود آشنا شوند و بتوانند با بافت و ریزه کاری های بیشتر اجرا نمایند.

روش مکتوب آموزش ردیف

تقریباً از یکصد سال پیش که در ایران بسیاری از مسائل فرهنگی و هنری تغییر یافت و هنرهای سنتی ایران تحت تاثیر فرهنگ هنری غربی قرار گرفت، در زمینهٔ «آموزش موسیقی نیز تفاوت چندشمگیری به وجود آمد. از آن چمله با تأسیس مدرسه موزیک و هنرستان موسیقی ملی، آموزش موسیقی به روش مکتوب کلانده شد که بیشتر برنامه های آن هنوز در هنرستانها و آموزشگاههای دولتی و آزاد اجرا می‌گردد. برخی از استادان موسیقی دستگاهی با آشنا شدن با فرهنگ موسیقی اروپایی، ترجیح دادند که برای آموزش و ثبت ردیف از آوانویسی موسیقی اروپایی استفاده کنند. در نتیجه بتدریج آموزش موسیقی دستگاهی ردیف از روش های سینه به سینه و شفاهی بیرون آمد و آموزش آن بصورت مکتوب درآمد. از آن پس ردیف موسیقی ایران بصورت کتابی مدون و با جزوه‌هایی درکلاس ها و آموزشگاه ها با نت نویسی و نغمه نگاری اروپایی در اختیار

هنرجویان قرار گرفت. روش تدریس تغییر یافت و بصورت آموزش نوین درآمد.

احیای روش شفاهی موسیقی ردیف

برخی از استادان موسیقی ردیف که روش نوین آوانویسی و مکتوب را نپذیرفتند، بصورت پراکنده یا جذب چند شاگرد خصوصی، ردیف خود یا استادان خود را با حفظ اصانت‌باری انتقال دادند. این استادان عبارتند از: استاد علی اکبر شهنازی،- که ردیف پدرش را استادش را در هنرستان ملی و هنرستان ملی بصورت شفاهی، تدریس کردند و در این زمینه شاگردان بسیار از خود به یادگار گذاشت. دیگر استاد نورعلی دومستگاه بود که به آموزش ردیف میرزا عبدالله برای اولیایان بر او رفته‌اند، هرگاه گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا و سپس در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بطور شفاهی ردیفشان و شاگردان بسیاری در این شیوه پرورش داد و اکنون نیز همان روش در آموزشگاههای آزاد هنری و دانشگاه تهران ادامه می‌یابد.

دیگر استادید سعید هرمزی و وروتن، تا شاگردان آقا حسینقلی و درویش بودند، که در پیش روشهای شاهی و موسیقی و سپس در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی مدتی بطور شفاهی به علاقمندان موسیقی دستگاهی ردیف آموزش دادند. نیز منظران تشکیل می‌شد، بطور شفاهی برای علاقمندان نواز و موسیقی به اجرای زنده و صمیمی می‌پرداختند.

استاد عبدالله دوماهی نیز ردیف کامل خود را به شاگردان خود بطور شفاهی آموزش داد و همینطور معروفی در مکتب صبا و در مرکز حفظ و اشاعه و هنرستان آزاد موسیقی، تدریس کرد که هنوز روش شفاهی آن بطور گسترده در آموزشگاهها و هنرستانها ادامه می‌یابد.

از دیگر سو استقبال جوانان و علاقمندان موسیقی دستگاهی ردیف در سالهای اخیر بویژه در روشهای شفاهی بطور بی‌سابقه ای افزایش یافته است که علت آن را در چند جهت می‌توان تحلیل نمود:

- ۱- توجه به حفظ سنت ها، اصالت ها و هویت ملی است که بویژه برخی از جوانان به آن علاقمند هستند.
- ۲- اشاعه برخی از ورزشها مانند: جودو، کاراته و برخی از رنجهها حرکات آیینی که حالت تمرکز دارند، مانند: یوگا و ژن و انتشار رقص ها و کتابهایی در این زمینه، اهمیت روش های شفاهی و سینه به سینه از طریق فرهنگهای دیگر را میسر می‌سازد.
- ۳- زمینهٔ شناخت موسیقی دستگاهی که در سالهای اخیر به وجود آمده و روشهای آموزش ردیف را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و دوباره اهمیت روش شفاهی گذشته را به گونه ای دیگر ثابت می‌کند. که این روش نیز می‌تواند جنبه کاربردی امروز را بخوش احسن انجام دهد، و از طرف دیگر هم

روش مکتوب قبلی و با نوین نیز بخوبی نتوانسته در زمینهٔ آموزش ردیف موفق باشد. از طرفی هم در آموزش شفاهی با استفاده از ضبط موسیقی از طریق نوار و صفحه CD و ویدئو آموزش آن آسان و ارزان در دورهٔ قدمتانی و متوسط انجام می‌پذیرد و تنها در دورهٔ عالی و یا تکنیکی آن است که حضور استاد الزامی است، که در این تنها گروه اندکی ابر راه پراخته را می‌یامیند و خود را در شرایط برگزیده و نهایی دورهٔ تکمیلی می‌رساند.

سنتور و آموزش موسیقی ردیف

کتاب نقیوس زن ز شارک سنتور زن است
فخاسته تبار زن و بنده شده تسبیور زنا
ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (وفات ۳۴۶ هـ. ق) مشهور منوچر و نویسندهٔ کتاب «مروج الذهب» در شرح اوضاع و احوال در زمان ساسانیان، هکدام نام بردن از سازهای متداول آن زمان، «والهٔ سنتور» را به کار می‌برد. می‌توان به دو نوع ساسانیان می‌رساند. در تالیفات ابونصر فارابی و ابن سینا نیز نام سنتور چندین بار ذکر شده است.

در رکشور بنا به نیازهای فرهنگی آن ملت، تخییلاتی در آن به وجود آمده است؛ چنانچه در مصر، عراق، ترکیه، هند و چین و در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، سنتور را با شکلی مختلف، تغییرات متنوع و شیوه‌های گوناگون در توانرنگی مشاهده می‌کنیم. در مئون انگلیس سنتور را با نام «دالسپین» شناده‌های اروپای شرقی «سپینالوم» و یا «چیمپالوم» و در آلمان «هک‌پرتر» و در چین «پیانگ کینگ» و در کشورهای عربی «سطنبر» و یا «سطنور» و در برخی از کشورها «بسالتری» نامیده شده است. بررسی تاریخچه و روند تکاملی آن نشان می‌دهد که انواع هارسپیکورد، کلاوسن و ویسلو، فورت و خالده آن، شکل تغییریافته سنتور است که ریشهٔ قدیم ایرانی آن را در پیانه نیازها و ضرورت‌های خاص موسیقی، در ساختن و شیوهٔ نوازندگی آن، تغییرات متنوعی حاصل شده است. در اروپای شرقی «سپینالوم» یا «سنتور» هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ارکستر سمفونیک و یا مجلسی هم ران یافته و اهتمامزاد بنامی چون «ایگور استراوینسکی» نیز برای این ساز قطعاتی تصنیف کرده است و نوازندگان مشهوری چون «آلوار راس» و «وئلیویر داج» آنها را اجرا کرده‌اند.

در تقسیم‌بندی سازهای قدیم، سه نوع سازهای زهی، سازهای کوبه‌ای و سازهای بادی رده شده‌اند. بطور کلی سازهای زهی را «نواواتر» یا «سازهای بادی» را «نواواتر الخف» و سازهای کوبی را «طاسات» نامیده‌اند. سازهای زهی «نواواتر» که دارای یک جیمیه و تعدادی سیم که به دو

طرف متصل شده‌اند خود به دو گروه مجزا قابل تقسیم بوده است:

- ۱- سازهای زهی «نواواتر» که به وسیلهٔ «مضارب، خاشن و یا کمان آنها را به صدا درمی‌آورند» و طول سیم به وسیلهٔ «حرکات انگشت دست کم و زیاد می‌شود، که دما آن را با غلظان «مطلق» و «گرفت» می‌تایندند. سازهایی مانند، تار و سه تار و مکه‌اجه در موسیقی دستگاهی کنتونی، از این نوع هستند.

۲- سازهای زهی «نواواتر» که تنها توسط دو مضارب به صدا درمی‌آید و هر سیمی را دوک و صدایی مخصوص است. دما این گونه سازها را به عنوان «مطلقا» نامیده‌اند. سنتور و قانون سازهایی هستند که جزو این گروه محسوب می‌شوند، تولید صدا از آنها توسط ضربات متصل و متفصل مضارب صورت می‌گیرد.

سنتور موسیقی مضاربیهایی «تک» و یا مداوم آنها که «ریز» نامیده‌اند حاصل می‌شود. ساختمان سنتور به شکل جعبه‌ای توخالی و بصورت نوزده متساوی الساقین است. آنکه از کتب برج در مورد ساخت سنتور به دست می‌آید، آنرا متعصب به ابونصر فارابی می‌دانند. سنتور امروز ایران دارای ۲۲ سیم است که بصورت دسته‌های چهارتایی کشیده شده است که در سر هر کدام از آنها به وجوه جانبی سنتور وصل است. در همین سطح، دو ردیف هُ تایی که دارای پایه‌های یکسان است و «خرک» نامیده می‌شود، قرار دارد. شکل خرکها همانند جعبه‌ای اجزای سازهای سنتی، بیابانگ نهادهای و اشکال هندسی اضلاع هر معناری است. در ضمن روی صفحهٔ سنتور، دو سوراخ که نهاد «ستاره» را دارند، در محتای صحنهٔ ساز، می‌شود. یک سوراخ در قسمت کلاف، جلوی سنتور تعبیه شده که مخصوص صداد و تقسیم صدا داخل ساز است. پلهای سنتور که داخل صحنهٔ آن کار گذاشته شده است برای تثبیت صدا و نگهداری صفحهٔ آن است. سیمهای سنتور یا ضربات دو «شدهٔ» چوبی که با شکل و تقاضای خاص تاریشیده و ساخته شده‌اند، به صدا درمی‌آید. این چوبها را «مضارب» یا «مضارب» شکل ظاهری آن نیز همانند اشکال و تلوش نمایان هنر و فرهنگ سنتی ایرانی است.

سنتور با کمک کلیدی فلزی که «کلید کوک» نام دارد، کوک می‌شود. سیمهای هر خرک با سیمهای خرک مقابل آن همصدا (بم و دو) است و سنتور متوالون دارای نه خرک در هر طرف (چپ و راست) می‌باشد که مجموع آنها شامل هجده خرک است. فرکانس حاصل از صدای خرک سوم تقریباً نِت سِ گل

می‌باشد. انواع دیگری از سنتور نیز وجود دارد که در کدام جایگاه و کاربرد ویژهٔ خود دارد، ولی برای اجرای موسیقی دستگاهی ردیف و شیوهٔ سنتورنوازی اندام مناسب نیستند.

مضاربها نیز بنا به نیازهای انواع موسیقی و سازهای مختلف سنتور، انواع کانونی دارد و هر کدام مورد استفاده ای خاص واقع می شود. آن نوع مورد نظر ما در این مقاله، نوع مضارب استان کاشته سنتورنواز است که بدون هیچگونه پوششی در خاص ناس با سیم بخار گرفته می شود. این نوع مضارب مخصوص اجرای درست موسیقی «ریدف» و موسیقی دستگاهی است و ظرایف خاص آن را با رعایت شیوه درست اجرایی منعکس می سازد.

در سنتور متداول «ریدف نوازی» (سل کوک نه خرک دارای ابعاد معین و البته نه به شکل «استاندارد» خرک سوم حدود فرانسس سل کوک می شود. از آنجا که دستگاه خود را با استفاده مانتار دستگاهها نامیده می شود، درجات آن را برای کوک پایه سنتور مناسب دانسته اند. هنگام اجرای شور، همانطور که معمول کوک سنتور است، ریدف خرکهای سیمهای سلف (سمت چپ) با ریدف خرکهای سیمهای زرد (سمت راست) همصدا (زیر و بم) کوک می شوند و تنها ممکن است یک خرک تنها برای اجرای کردیبات و شهماز با یکدیگر اختلاف داشته باشد که با مختصر تغییر حرکت جری خرک ها درست می شود. از آنجا که دستگاه شور مادر دستگاهها و اصلی ترین آنها محسوب می شود و ریدف اکثر دستگاهها و آوازا به شور اشاره و با خند می شود. شور به عنوان پیدا و پایه، همیشه مورد استفاده و در مقام گزری معمول، مورد بهره برداری است. اگر نحوه کوک سنتور بر پایه نظام فواصل ریدف اصلاح باشد، تغییر مقام از نتگاهی مختلف به یکدیگر بسیار آسان و عملی خواهد بود و تنها با جابه جا کردن مختصر یکی دو خرک و یا در نهایت با تغییر جزئی کوک سیمهای مربوطه، کوک های مختلف برای اجرای گوشه ها و دستگاهها میسر خواهد شد.

ضارب ها

مضارب به معنی ابزار زدن است. نسبت مضارب به سنتور مثل نسبت کمان به کمانچه و با ناخن به سه تار است. در سنتور، مضاربها مانند انواع سنتورها مختلف هستند و هر کدام برای اجرای نوعی خاص از موسیقی استفاده می شوند. در موسیقی ریدف، مضارب سنتور همانند دیگر اجزای ساز و خود موسیقی، دارای اندازه دقیق، تراش مناسب و بدون الحاق هیچ گونه وسیله اضافه (مانند چیر، نمد یا پنبه) است. در این نوع اجرا، مضارب در نهایت سادگی با استفاده از روش درست ضرب نوازی استفاده می شود تا صدای خفایی موسیقی خوشنوازی را به گوش برساند.

ریدف به سنتور از ۴ قسمت اصلی دم، حلقه، ساقه و سر تشکیل شده است. هنگام نوازندگی، مختلف ضرب روی دم مضارب و دیگر انگشتان زیر آن بطور مشخص تمام می شود. مضارب نوازی در موسیقی ریدف، تنها با روش درست گرفتن دست و حرکت مخ انجام می گیرد.

بعد از فوت سماع حضور (استاد سنتور ایران) روشهای تحریری رونق یافت. محضری آن نوازندگان برای راحتی و سهولت، از حرکت حلقه بین انگشتان شصت و سیاه استفاده کرد. حتی استاد ابوالحسن صبا تا پیش از آشنا شدن با حبیب سماعی (فرزند و شاگرد سماع حضور) از روش فوق پیروی می کرد. اما بعد از آشنایی با حبیب سماع و ملاحظه «شیوه» بی نظیر سنتورنوازی او، روش خود را عوض کرد و بهتر دید که با (مخ) مضارب بنوازد.

در شیوه «سنتورنوازی و اجرای هنری موسیقی دستگاهی و ریدف، مضارب نوازی، فن مشکل و زیبایی است که احتیاج به قابلیت بسیار و کار مداوم در طی سالها دارد. به خصوص نحوه بیان، مایعیت نگاه، ریزهاس، سر مضاربها، درپایه، تکیه ها و تحریرها در این بیان قابل توجه است.

اساس اجرا و هویت زبانی موسیقی دستگاهی ایران (ریدف) به «تک» و «ریزه» استوار است. همین عامل اصلی است که موسیقی ایرانی را از انواع غیرایرانی متمایز می نماید و حساسیت تخیل راقت در فراتر از آن است که انواع غیراصیل و تخیلی آن را از نوع کاملاً منحصر به فرد و اصیل آن متمایز می کند.

برخلاف آنچه که در این چند دهه اخیر مشاهده می شود، «تک» و «ریزه» تنها تسلسل ساده یک صدای مشخص و بی روح نیستند که میزان ارزشیابی آنها تنها به سبزه کمانی هرچه بیشترشان محدود باشد. بلکه «تکها» و «ریزهها» در چهارچوب وسیع تر موسیقی دستگاهی ایران، موجد غنایی بی نهایت است.

با توجه به مسائل تاریخی و آموزش موسیقی گذشته و حال، تنها روش شفاهی (سینه به سینه) برای آموزش موسیقی دستگاهی ریدف پیشنهاد می شود.

از آنجا که این روش کاملاً شفاهی است، باید رعایت آموزش اصول اولیه و نتکات حفظ موسیقی دستگاهی ریدف، بصورت انطباق با شرایط امروز، انجام گیرد.

البته برای این روش، یک دوره شناخت موسیقی دستگاهی که شامل علم نظری موسیقی ایران، از قدیم تا امروز می باشد، الزامی است. به عبارتی، آموزش این روش در دو بخش انجام می گیرد. یکی بخش علم عملی موسیقی ریدف است و دیگری بخش شناخت فلسفی و علم نظری آنست.

انتقال شناسی موسیقی ریدف و وسایل کمک آموزشی
در روش شفاهی که بصورت انتقال سینه به سینه موسیقی دستگاهی ریدف، بدون آوانویسی و کتاب تدریس می شود، وسایل کمک آموزشی مانند: کتاب (آوانویسی شده ریدف) و نوار ضبط شده برای اختیاری است که هرچنین می تواند در کنار آموزش شفاهی، از آنها استفاده نماید. بخصوص، نوار و صفحه CD ضبط شده ریدف، ولی پس از فراگیری چند دستگاه

به یک دوره کامل آن، ضرورت فراگیری یک دوره آموزش تخصصی موسیقی ریدف است. امروز تا نویسی آن جنبه بین المللی پیدا کرده است، برای تحقیق و بررسی ضرورت دارد و درواقع هرچندانی می تواند به دوره تکمیلی ریدف راه یابد که یک دوره آموزش نت نویسی و نت خوانی و یک دوره کامل کلاسی علم نظری و شناخت موسیقی ایران را فراگرفته باشند. لازم به ذکر است که میبانی تئوری غربی و قراردادن کلاسیای دیکته موسیقی و سلفز غربی، هیچ گونه ضرورتی برای آموزش ریدف ندارد.

چگونگی و مراحل پذیرش و آموزش هنرجویان موسیقی دستگاهی ریدف

مراحل آموزشی ریدف در سه دوره تقسیم می شود:

- دوره مقدماتی (کارناهی)
- دوره متوسطه (کارناشاهی)
- دوره عالی (تکمیلی)

۱- زمان دوره مقدماتی - در صورتی که هفته ای یکبار و بصورت انفرادی حدود بیست دقیقه تدریس شود و هرچند هم در زمان تحصیل، روزی حداقل دو ساعت تمرین چند خود بود، سال طول خواهد کشید. البته اگر زمان در این دوره در نظر گرفته نشود، می توان گفت هرگاه هنرجو بتواند با چندین موسیقی و پیدا کردن گوشه موردنظر بر روی پرده های ساز خود به اجرا درآورد آن را با مضاربها صحیح و درست و یا به عبارتی فراگیری دو یکفته بعد موسیقی دستگاهی ریدف، یعنی یکفته نغمات و یکفته مضارب که بتواند به آسانی هرآنچه را که می شود اجرا نماید، مرحله مقدماتی را سپری نموده است و از آن پس می تواند با شنیدن و یا مراجعه به کتاب های آوانویسی شده ریدف، بغیر گوشه ها، آوازاها و دستگاه ها را بنوازد و بتدریج آنها را حفظ نماید.

۲- مرحله متوسط - پس از فراگیری دوره مقدماتی، هنرجو می تواند در طول آموزشی که ممکن است هفته ای یکبار یا دویار یا ماهی یکبار باشد، از راهنمایی های استاد خود بهره مند شود. زمانی که تمام گوشه ها و قطعات ضربی یک ریدف را فراگرفت و تمام آنها را در حافظه خود داشت، می تواند روش تئوری دوره کامل شناخت موسیقی دستگاهی و علوم نظری آنرا فراگرفته باشد. وارد مرحله عالی یا تکمیلی شود.

زمان دوره متوسط یا کارشناسی، بستگی به ساعات کار و مقایس و تمرین گرفتن دارد که بیشتر خود هرچند دروس را فراگیری گیرد و چنانکه گذشت، استاد نقش راهنمایی و برطرف نمودن مشکلات و هدایت هنرجو را بعده در، بنابراین زمان این دوره خود دو تا چهار سال طول خواهد کشید.

دروس جنبی این دوره (کارشناسی ریدف):
الف) شکل حداقل دو ترن شناخت موسیقی با سرصل های زیر می باشد: تعریف موسیقی، صوت، نغمه، موضوع موسیقی،

فواصل، تقسیم بندی دستگاههای دستگاهی، آشنایی با موسیقی مقامی گذشته، مایهاتی فواصل، وزن، گردش نغمات و ترتیب و همراه موسیقی دستگاهی ریدف.
ب) آشنایی و فراگیری آوانویسی اروپایی (بین المللی) و قراردادن یک دوره (یک ترم) قطعات مبتانی موسیقی ایرانی و آوانویسی آن است.

بدیهی است هرچندانی که در ترم شناخت موسیقی دستگاهی ریدف و یک ترم قطعات و میانی نشود موسیقی ایرانی را چه به وسیله کتاب و یا حضور در کلاس گذرانده اند و همچنین یک ریدف را نیز استاد بطور کامل فراگرفته اند، از قراردادن آموزش عملی و نظری آن توسط استادان دانشگاه یا مرکز آموزش موسیقی، در حد دوره کارشناسی (معادل درجه سه هنری) شناخته شده و می تواند در دوره تکمیلی (معادل درجه دو و یک هنری) شرکت کند. در «دوره دوم» عالی یا تکمیلی- زمان دوره تکمیلی به دو بخش تقسیم می شود.

۱- مرحله اول: دوره دوم ریدف که حداقل یکبار برای این دوره حدود یک سال است، هر فر این دوره، هنرجو یک بار تمام گوشه ها و قطعات ضربی فراگرفته شده ریدف را، نزد استاد بطور شباهت مرور می نماید و تا اندازه ای به حالتها و نحوه صدا یعنی ساز و چگونگی شیوه اجرا پرداخته و بتدریج هنرجو برای مطالعه، تفسیر و تاویل و بی بردن به حقایق درک ریدف آماده می شود.

۲- مرحله دو: زمان مرحله دوم نامحدود است و بستگی کامل به پرورش ثوق و طبع سلیم هنرجو دارد که بتواند به وسیله «آتش روان، آرام آرام به عمیق نفس برداشته و ر بهاد و تلاش در علم نظری و علم عمل به شود و دریافت موسیقی دستگاهی ریدف (موسیقی ایرانی) تأیل بد.

دروس جنبی دوره تکمیلی موسیقی ریدف، شامل قراردادن و یا مطالعه یک دوره تاریخ هنر ایران و جهان، قراردادن و مطالعه کردن و آشنا شدن با تمام هنرهای سنتی ایران از جمله معماری، نقاشی، خوشنویسی، کالی گره چینی، کالی گره چینی، کالی گره چینی و یا مطالعه تاریخ حکمت در ایران و سیر فلسفه در جهان، مسافت به مناطق فرهنگی و تاریخی و باستانی ایران و جهان و آموزش مفاهیم علمی برای دریافت و درک طبیعت در کویر، کوهستان و رودخانه دیوان شاعران ایران.

اگر هنرجو، ریدف سازی را فراگرفته و مطالعه کرده است، آشنا شدن با یک ریدف آوازی و حتی قراردادن یک دوره ریدف آوازی ضروریست و اگر هنرجو خواننده است، فراگیری یک ساز ایرانی مانند تار، سه تار، سنتور، نی و یا کمانچه و قراردادن یک دوره ریدف سازی نیز ضروریست. مطالعه و فراگیری یک دوره پیش ترادیمی معاصر و تصنیفهای عارف و یا همچنین تصنیفهای قدیمی باید مانند، نیز ضروریست.